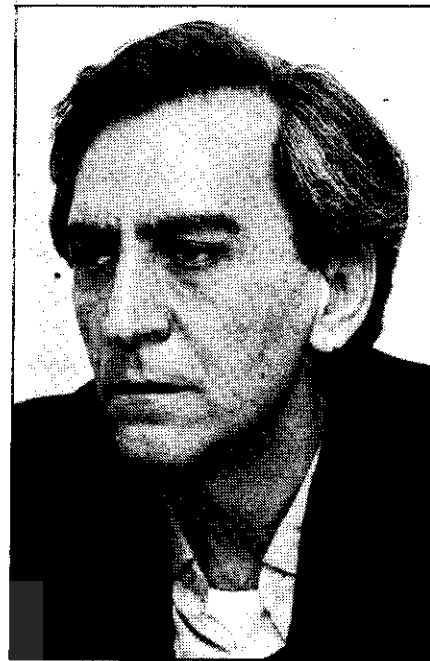


نگاهی به مؤسسه عالی

حسابداری

و بنیانگذار آن،

۳۰ سال پس از تأسیس.



مصطفی علی مدد

دکتر عزیز نبوی

و مؤسسه عالی

حسابداری

از دیدگاه آقای

مصطفی علی مدد

مؤسسه عالی حسابداری، دانشکده علوم اداری دانشگاه تهران که رشته حسابداری در آن تدریس می‌شد و دانشکده حسابداری شرکت نفت و... در تاریخ حسابداری ایران سرچشمه تحولات چشمگیری در این رشته و حرفه بوده‌اند. افزون بر این طراحی، تأسیس و راهبری این‌گونه مؤسسات نیز به‌طور معمول به‌همت و پشتکار و انگیزش علمی یک یا دست بالا دو-سه تن از دانشوران برجسته به‌عنوان بنیانگذاران آنها انجام شده است چنانکه دانشکده علوم اداری دانشگاه تهران به‌همت استاد دکتر فضل‌الله اکبری، دانشکده حسابداری نفت به‌اهتمام استادان مرحوم اسمعیل عرفانی و حسن سجادی‌نژاد و مؤسسه عالی حسابداری به ابتکار استاد دکتر عزیز نبوی پدید آمد، بویژه آنکه این مؤسسه با سرمایه شخص ایشان تأسیس شد. به‌هرحال بررسی تاریخ حسابداری ایران، نمی‌تواند جدا از بررسی این‌گونه مؤسسات باشد. در این شماره به بررسی اجمالی مؤسسه عالی حسابداری و نقش و تأثیر آقای دکتر نبوی در آن پرداخته‌ایم. و به این منظور نخست به آقای مصطفی علی مدد، از استادان مؤسسه یاد شده که ارتباطات گسترده‌ای با آقای دکتر نبوی داشته‌اند و آگاهی‌های فراوانی در این باره دارند و افزون بر اینها به‌دیده‌ای نقادانه و تحلیلی به

اطلاعات و اسناد رویدادهای زمانهای نزدیک نیز امکان‌ناپذیر است. مشکلی که من و همکارانم در ماهنامه حسابدار در این زمینه همواره با آن روبه‌رو هستیم. در این زمینه به عنوان مثال باید از نبود اسناد و اطلاعات مورد نیاز در مورد مرحوم استاد اسمعیل عرفانی برای بزرگداشت و ادای دین به ایشان یاد کنم و شکوه و شکایت خود را به شما

برابر دخالت یا مشارکت در رویدادها ابزاری برای دفاع از خود فراهم شود، اما متأسفانه در مستند کردن رویدادها و تحولاتی که می‌تواند دربرگیرنده رهنمودهایی درخور اعتنا برای آینده باشد و یا امکان آگاهی مردم را در هر زمان نسبت به تحولات و رویدادهای گذشته فراهم آورد چندان بی‌توجه و سهل‌انگاریم که گاه دستیابی به

شلیله:

در جامعه ما کوشش فراوانی در زمینه بایگانی کردن اسناد و مدارک به نسبت بیفایده انجام می‌گیرد، گویا به این منظور که برای روز مبادا و در



علی مدد:

در مورد نارساییهای بایگانی کردن و مستندسازی اطلاعات با شما موافقم: البته کمبودی که در این زمینه داریم مشابه کمبودهای دیگرمان در سایر زمینه‌هاست و این تنها ضعفمان نیست. بسیار متأسفم که در مورد مرحوم استاد اسمعیل عرفانی کمکی از دستم برنمی‌آید گمان می‌کنم، و بیشتر اعتقاد دارم که شرکت ملی نفت ایران که کارفرمای ایشان بوده وظیفه دارد از این معلم کم‌نظیر که به‌رغم نقص جسمی جدی ناشی از یک سانحه، سالها دانشکده حسابداری نفت را بخوبی اداره کرد و کتابهای بالارزشی نوشت و در کلاسها تدریس کرد، تجلیل کند. دانشکده حسابداری نفت فعلی هم که به‌رحال وارث دانشکده حسابداری نفت سابق است وظیفه دارد که زندگی پرتلاش این استاد ارجمند را بشناسد و بشناساند و شاگردان مستقیم ایشان هم به‌نوبه خود مسئولند که از مرحوم استاد اسمعیل عرفانی قدرشناسی کنند. اما درباره موضوع مصاحبه باید بگویم که من در وهله اول شاگرد آقای دکتر نبوی بودم و ایشان برمن مانند بسیاری از حسابداران ایران حق دارند. و سپس، در دوره‌ای که ایشان رئیس حسابداری بنگاه عمران بودند، من کارمند ایشان بودم و زمانی هم با ایشان همکاری

ورق بزنید

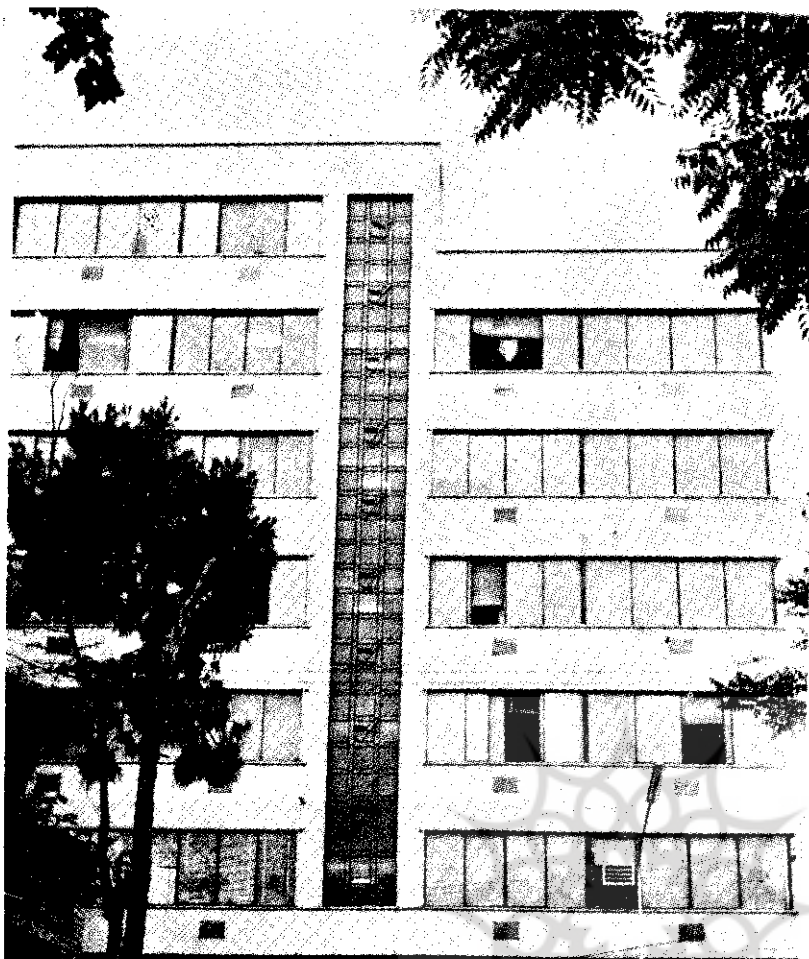
تاریخ حسابداری ایران نظر دارند، روی آوردیم، ایشان پرسشهای ما را به‌گونه‌ای موشکافانه بررسی‌دند و به آن پاسخ گفتند که در صفحات آینده خواهید خواند.

اما صرف‌نظر از بررسی یادشده که به ارزیابی جنبه‌هایی از نقش و تأثیر آقای دکتر نبوی و مؤسسه عالی حسابداری در بستر تاریخ حسابداری کشور اختصاص دارد، ضروری بود که بار دیگر تا حد امکان تعدادی از اعضای خانواده مؤسسه عالی حسابداری را گرد هم آوریم و از مؤسسه و بنیانگذار آن یاد کنیم؛ و به بررسی مؤسسه در چارچوبی سازمانی، مستقل از تأثیر تاریخی آن بپردازیم. دستیابی به این منظور را نیز تنی چند از استادان و کارگزاران و مسئولان مؤسسه عالی حسابداری امکانپذیر ساختند که نامشان در متن گفتگوهای جلسه‌ای که به همین منظور برپا داشتیم و گزارش آن را در همین بخش از ماهنامه خواهید خواند، آمده است.

ماهنامه امیدوار است به یاری مسئولان دیگر دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش عالی رشته حسابداری و دانشهای وابسته، درآینده بررسیهای همسانی را در مورد هریک از آنها تهیه و عرضه کند.

و حسابرسی در ایران بوده‌اند درباره ایشان با شما گفتگویی کنم تا گامی کوچک در زمینه مستندسازی گوشه‌ای از تاریخ حسابداری کشور و نقش آقای دکتر نبوی در تحولات آن برداشته باشیم.

عرضه کنیم. باید بیفزایم که دست‌کم مدت ۸ ماه است در این مورد از هر راهی که رفته‌ایم جز به اطلاعاتی اندک دست نیافته‌ایم. به‌رحال اکنون نیز به خدمت شما رسیدم تا به‌دلیل ارتباطات متعدد شما با آقای دکتر عزیز نبوی بنیانگذار مؤسسه عالی حسابداری و دانشپژوهی که بانی تحولات برجسته‌ای در زمینه آموزش حسابداری



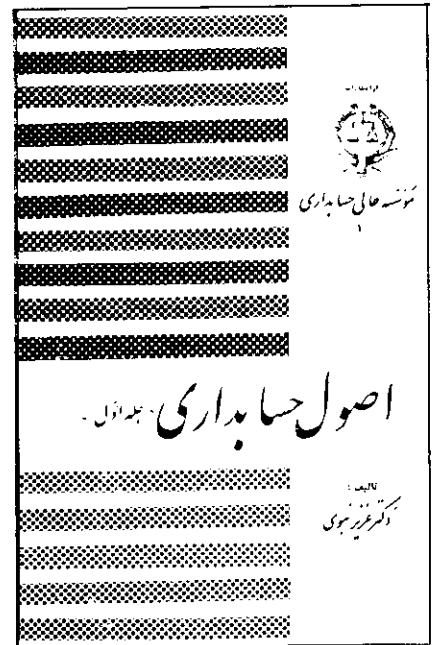
نخستین ساختمان مؤسسه عالی حسابداری ابتدای خیابان ایرانشهر

می‌کردم یعنی دوره‌ای که در مؤسسه عالی حسابداری درس می‌دادم. منظورم از طرح ارتباطم با آقای دکتر نبوی آشکار ساختن حدود آشنایی من با ایشان است. بیگمان کسان دیگری در حرفه هستند که آشنایی بیشتری با ایشان دارند. اما اگر بخواهم به‌طور خلاصه برداشته‌ایم را در مورد آقای دکتر نبوی بیان کنم می‌توانم از چند ویژگی مهم و بسیار برجسته ایشان یاد کنم. آقای دکتر نبوی مدیر بسیار توانایی برای یک مؤسسه آموزشی، مؤلف برجسته‌ای در رشته حسابداری و افزون بر اینها روشنفکری بسیار مبتکر و صاحب‌اندیشه بودند. گفتم مبتکر بودند چون اندیشه ایجاد مؤسسه آموزش عالی خصوصی در آن زمان به‌وسیله ایشان مطرح و به‌اجرا گذاشته شد. مؤسسه عالی حسابداری که ایشان پدیدآورنده آن بودند حاصل اندیشه خود ایشان است. گفتم، مدیر بسیار توانایی برای اداره یک مؤسسه آموزشی بودند، چرا که مؤسسه عالی حسابداری یکی از منظمترین دانشکده‌هایی بود که در ایران تأسیس شده است. و این مؤسسه از نظم چشمگیری برخوردار بود. گفتم مؤلف برجسته‌ای در رشته حسابداری بودند، زیرا دو جلد کتاب اصول حسابداری که ایشان تألیف کردند از ویژگی‌هایی درخور توجه برخوردار است. از جمله این کتابها تنها بربیک یا دو منبع متکی نیست و در تألیف آنها از دستاوردها و تجارب کشورهای گوناگون بهره‌گرفته شده است. افزون بر این، موضوع کتابها در چارچوب شرایط ایران مورد بررسی قرار گرفته است، یعنی به عوامل محیطی ایران توجه داشته‌اند، و سرانجام اگرچه ایشان نخستین دانشپژوهی هستند که به تأثیر مناسبات حقوقی ایران، با تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر حسابداری توجه کرده‌اند اما حتماً از پیشگامان این شیوه برخوردار شمرده می‌شوند. از این‌نظر محتوای کتابهای یاد شده و مسائل و قضایایی که در آنها مطرح شده، در چارچوب شرایط ایران درک‌شدنی است و دور از ذهن خواننده ایرانی نیست. در واقع تألیف در مفهوم دقیق آن است،

این‌گونه برنامه‌ریزی از وجود طرحی جامع و از اندیشه‌ای خبر می‌دهد که بر آن است تا حسابداری را از جنبه‌های گوناگون، آموزش و گسترش دهد، به‌طوری که ابعاد گوناگون این دانش را دربر بگیرد. کوششهای چشمگیری که متأسفانه ادامه نیافت. در مؤسسه عالی حسابداری از معلمین خوبی استفاده می‌شد. دست‌کم معلمین حسابداری این مؤسسه در شمار بهترین معلمین حسابداری کشور بودند. به‌عنوان مثال کسانی مانند آقای دکتر شیاهنگ، آقای بهنام، آقای ملکیان، آقای قزوینی در مؤسسه عالی حسابداری تدریس می‌کردند. و چنین کاری، یعنی توانایی جلب همکاری گروهی از بهترین حسابداران حرفه‌ای و معلمین حسابداری، نشانه مدیریت خوب آقای دکتر نبوی بود. ایشان سیستم واحدی را به بهترین نحو ممکن در مؤسسه عالی حسابداری به مرحله اجرا درآوردند. این سیستم در مؤسسه یاد شده به شکل قالبی اداره نمی‌شد، بلکه

ترجمه کتابهای خارجی نیست. به‌علاوه بررسی کتابهای یاد شده نشان می‌دهد که در تألیف آنها از منابع کشور فرانسه نیز استفاده شده و این بیانگر آن است که ایشان تجارب جهانی رشته حسابداری را مورد توجه قرار داده‌اند. طرح کلی ایشان برای تألیف یا انتشار کتابهای حسابداری نیز نشان می‌دهد که به دانش حسابداری تنها از یک جنبه نگاه نمی‌کرده‌اند، بلکه آن را در سطحی بسیار وسیع مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان در نظر داشتند پنج‌جلد کتاب اصول حسابداری تألیف کنند که دو‌جلد از آنها به مرحله انتشار رسید و متأسفانه بقیه تهیه و منتشر نشد. ایشان هم‌زمان با تدارک انتشار پنج‌جلد کتاب اصول حسابداری، در پی طرح مسئله حسابداری دولتی از جنبه نظری بودند که تنها جلد اول آن منتشر شد و برای انتشار کتاب اصول حسابداری نیز برنامه‌ریزی کرده بودند که از این سری کتاب هم تنها جلد اول آن منتشر شد.

به صورتی واقعی به اجرا درمی آید. به این ترتیب که دانشجو می توانست ۱۸ واحد درس بگیرد. منتها این ۱۸ واحد الزاماً دروسهای معینی نبود. ارتباط واحدهای درسی باهم بسیار مشخص بود. دانشجو می توانست درسی را انتخاب کند که واحدهای قبلی آن درس را گذرانده باشد. یعنی لزوم گذراندن درس پیش نیاز کاملاً اجرا می شد و گرفتن درسی که دانشجو پیش نیاز آن را نگذرانده بود امکان نداشت. اکنون سیستم واحدی برای همگان آشناست. منتها من از اجرای درست سیستم واحدی در زمانی یاد می کنم، که هنوز سیستم سال تحصیلی متداول بود و اجرا می شد. آقای دکتر نبوی در چنین دوره ای این سیستم را به اجرا گذاشتند. در واقع استفاده از سیستم واحدی در مؤسسه عالی حسابداری تنها جنبه صوری نداشت. در این سیستم هر کس برای



اینکه دانشجو به حساب آید باید حداقل ۱۲ واحد درس داشته باشد. ضمن آنکه می توانست تا ۱۸ واحد هم بگیرد. افزون بر این اگر دانشجوی

برجسته ای بود، می توانست تا ۲۰ واحد هم درس بگیرد. از دیگر نموده های اداره خوب مؤسسه عالی حسابداری، اداره آن با تعداد محدودی همکار اداری بود. تعداد همکاران اداری مؤسسه در مقایسه با دستگاههای دولتی در خدمات مشابه، بسیار اندک بود. ویژگی دیگر آقای دکتر نبوی در اداره مؤسسه عالی حسابداری، استوار کردن اجرای فعاليتها بر برنامه ریزیهای دقیق بود. ایشان بدرستی می دانستند که به چه هدفهایی می خواهند دست پیدا کنند. برای دستیابی به هدفهای مورد نظر برنامه ریزی می کردند و قدم به قدم آن را اجرا می کردند. اندیشه ایجاد یک دانشکده به خودی خود اندیشه ای والا است. تبدیل این اندیشه به یک طرح اجرایی توان ذهنی فوق العاده ای می خواهد و شروع کردن از صفر، ایجاد یک دانشکده در مدتی کوتاه و اداره مطلوب آن کاری بسیار بزرگ است و این کار بزرگ را آقای دکتر نبوی بدون استفاده از کمکهای مادی هیچ مرجعی انجام دادند. مؤسسه عالی حسابداری در نخستین سال فعالیت برای دروسهای پیشبینی شده در برنامه چهارساله شرح درس داشت. تمامی دروسها، موضوع، دامنه و هدفهایش مشخص بود. و دقیقاً روشن بود که دانشجو باید با چه مقوله هایی آشنا شود. و این یکی از ویژگیهای بسیار برجسته مؤسسه بود. دانشجو در مؤسسه عالی حسابداری افزون بر حسابداری با مقوله های دیگر که به هر حال به نحوی با حسابداری ارتباط داشت، مانند مدیریت و اقتصاد و... نیز آشنا می شد. پیشرفت و موفقیت تحصیلی و شغلی تعدادی از فارغ التحصیلان مؤسسه عالی حسابداری که در رشته های دیگر تا سطح فوق لیسانس و دکتری در داخل یا خارج ادامه تحصیل داده اند، تا میزان درخور توجهی دستاورد این خط مشی آموزشی است. در واقع مؤسسه حسابداری که از رشته های دیگر آگاهی نداشته باشند تربیت نمی کرد. از برقراری نظم در اداره و پیشبرد امور مؤسسه عالی حسابداری به عنوان یکی از عوامل مدیریت آقای دکتر نبوی یاد کردم، بهتر

است در این باره مثالی بزنم. در مؤسسه عالی حسابداری کلاسها سر ساعت آغاز می شد و دانشجو موظف بود سر ساعت در کلاس حاضر شود. و این تکلیف تنها منحصر به دانشجو نبود، معلم هم همین وظیفه را داشت. البته معلمین مؤسسه در اثر اجبار و فشار نبود که از این نظم پیروی می کردند، بلکه رعایت نظم و ترتیب از اقتدار توجیه پذیر و خلق و خو و رفتار مناسب آقای دکتر نبوی سرچشمه می گرفت. اگر دانشجویان تنها تأخیر حضور هم پیدا می کردند طبق مقررات آن جلسه برایشان غیبت محسوب می شد. در مؤسسه عالی حسابداری یک ساعت کلاس ۴۵ دقیقه تدریس و بحث و بررسی را دربر می گرفت. در کلاسهای دوساعتی معلم ۹۰ دقیقه در کلاس حاضر بود و با دانشجویان کار می کرد. دانشجو در هر درسی می توانست سه جلسه غیبت داشته باشد، اما اگر غیبت او از این حد فراتر می رفت، از آن درس محروم می شد. آشکار است که وجود و رعایت این گونه ضابطه ها کاملاً منطقی است. محروم شدن دانشجو از درس به علت غیبت بیش از حد در آن درس، احترام به اجرای دقیق برنامه های آموزشی است. دانشجو زمانی می تواند درسی را درست یاد بگیرد که در کلاسهای آن حاضر بوده باشد. مسئله مهم دیگری که باید در مورد نظام مدیریت آموزش مؤسسه عالی حسابداری ذکر شود، حذف شدن دانشجویانی است که به هر دلیل نمی توانستند با نمی خوانند درس بخوانند. بنابر سابقه، فرض این بود که دانشجو در صورت قبولی در یک مسابقه ورودی، سرانجام بموقع یا با تأخیر فارغ التحصیل می شود اما در مؤسسه عالی حسابداری فارغ التحصیل شدن دانشجو به موفقیت او در درس خواندن بستگی داشت. به بیان دیگر دانشجویی که وارد مؤسسه عالی حسابداری می شد، اگر درس نمی خواند، پس از مدتی از مؤسسه اخراج می شد. در دوره های اول و البته دوره های بعد تا سالهای ۱۳۵۱ و ۵۲ (اطلاعی در مورد دوره های بعد ندارم)

ورق بزنید

نتیجه امتحانات نیمسال پاییز ۱۳۴۴
در مؤسسه عالی حسابداری

شماره درس	نام درس	قبول	مردود	محروم	غایب	جمع
۱۰۱	فارسی	۳۳۱	۳۸	۱	۲۰	۳۸۰
۱۰۲	فارسی	۵۳	۱۲	۲	۲	۶۹
۱۰۳	انگلیسی	۳۰۵	۲۲	—	—	۳۲۷
۱۰۴	انگلیسی	۱۲۷	۱۴	—	—	۱۴۱
۱۰۵	اصطلاحات حسابداری با انگلیسی	۱۲	۹	—	—	۲۱
۱۰۶	علم الاجتماع	۳۵۵	۲۱	—	۲۵	۳۱۱
۱۰۷	روش تحقیق	۱۴۵	۱۰۲	۳	۵۰	۲۹۰
۱۱۱	اصول علم اداره	۱۲۴	۱۱۱	۵	۲۹	۲۷۹
۱۱۲	اداره آموزش بازرگانی	۱۰۸	۱۵	—	—	۱۲۳
۱۲۱	ماتریه	۲۲۵	۶۵	—	۲۴	۳۱۴
۱۲۲	ماتریه	۹۳	۱۱	۱	۳	۱۰۷
۱۲۳	قوانین مالی ایران	۸۷	۳	—	۶	۹۵
۱۲۵	اصول بودجه	۵۸	۸	—	۲	۶۸
۱۳۱	اصول علم اقتصاد	۲۸۸	۱۰۳	۳	۴۲	۴۳۷
۱۳۲	اصول علم اقتصاد	۸۳	۱۰	—	۱	۹۴
۱۳۳	اصول علم اقتصاد	۱۰۸	۱۱	—	۴	۱۲۳
۱۴۱	اصول ریاضیات	۲۳۵	۱۰۷	۳	۲۶	۳۸۱
۱۴۲	اصول ریاضیات	۵۹	۲۰	۱	۱	۸۱
۱۴۳	اصول ریاضیات	۹۳	۳	—	۱	۹۷
۱۵۱	حقوق مدنی	۲۱۵	۷۵	۲	۲۶	۳۱۸
۱۵۲	حقوق مدنی	۵۲	۷	—	۲	۶۱
۱۵۳	حقوق اساسی	۲۵۰	۲۸	۴	۱۵	۳۰۷
۱۵۴	حقوق تجارت	۶۲	۱۰	۱	۲	۷۵
۱۵۵	حقوق تجارت	۵۲	۳	—	۲	۵۸
۱۵۶	حقوق جزا	۲۸۸	۷۵	۲	۹	۳۷۴
۱۵۷	حقوق کار	۱۰۲	۲۹	—	۱۲	۱۵۲
۱۶۱	اصول حسابداری	۴۰۴	۵۵	۴	۲۵	۴۹۸
۱۶۲	اصول حسابداری	۱۲۴	۲۶	—	—	۲۶۰
۱۶۳	اصول حسابداری	۱۲۴	۲۲	—	۹	۱۵۵

برخی دانشجویان مؤسسه ابتدا مشروط شدند و پس از سه ترم مشروط شدن اخراج شدند. وجود این ضابطه نیز اثرات بسیار مثبتی بر سلامت نظام آموزشی داشت. اگر کسی وارد دانشگاه می‌شود و به هر دلیل مثل نداشتن وقت یا نداشتن علاقه کافی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد درس بخواند، حتی اگر شخص بسیار با استعدادی هم باشد، باید در طول دوره تحصیل حذف بشود تا نظام آموزشی مربوط بتواند در چارچوبی اصولی فعالیت کند. نمونه چشمگیر دیگری از نظم و انضباط در مؤسسه عالی حسابداری که بویژه در زمینه آموزش حسابداری برقرار بود، اعتقاد به ضرورت درستکاری دانشجویان آن به عنوان یکی از ویژگیهای هر حسابدار بود. چه ممکن است شخصی درستکار نباشد اما آگاهی درخور اعتنایی از تکنیکها داشته و متخصص باشد، چنین فردی حسابدار خوبی نخواهد بود. شرط حسابدار خوب بودن درستکاری است. از این نظر در مؤسسه عالی حسابداری به این ویژگی در جریان تحصیل دانشجویان به طور کامل توجه می‌شد و اگر هرکس به هر شکل در امتحان تقلب می‌کرد، از مؤسسه اخراج می‌شد. نشانه دیگری از نظم در مؤسسه عالی حسابداری تصحیح اوراق امتحانی در محل مؤسسه و اعلام نمره دانشجویان در فاصله زمانی معین بود. به این ترتیب اوراق امتحانی از حرمت برخوردار می‌شد. چنین نبود که هر زمان که معلم فرصت پیدا کرد روی ورقه اظهار نظر کند. البته شاید اجرای این مقررات برای معلمان آسان نبود، اما روش بسیار خوبی بود.

شلیله:

من هم به عنوان دانشجوی مؤسسه عالی حسابداری می‌توانم از ویژگی دیگری از انضباط مؤسسه یاد کنم و آن این که دانشجویان می‌توانستند در ساعات معین و پیشبینی شده به اندازه کافی با استادان خود تماس داشته باشند و مشکلات درسی خود را با آنها مطرح کنند.

علی‌مدد:

بله این ویژگی نیز نمودی از برنامه‌ریزی جامع و بسیار خوب آموزشی مؤسسه بود. کسانی که در مؤسسه تدریس می‌کردند، افزون بر ساعات درس، ساعات دیگری هم در مؤسسه حاضر می‌شدند تا دانشجویان بتوانند به ایشان مراجعه کنند و تازه این کار در حالی انجام می‌شد که مؤسسه عالی حسابداری غیر از آقای دکتر نبوی و چند نفر دیگر، استاد تمام وقت نداشت. در واقع در این مؤسسه ارتباط دانشجویان و استاد از لحاظ پیشرفت امور تحصیلی منظم و منطقی بود. بویژه اینکه مؤسسه تا سال ۱۳۴۶ در ساختمانهای کوچکی فعالیت می‌کرد

که فضای لازم برای برقراری ارتباط مستمر بین دانشجو و استاد را نداشت.

شلیله:

ارتباط آقای دکتر نبوی را با دانشجویان مؤسسه، به عنوان مدیر یک مؤسسه آموزشی چگونه ارزیابی می‌کنید.

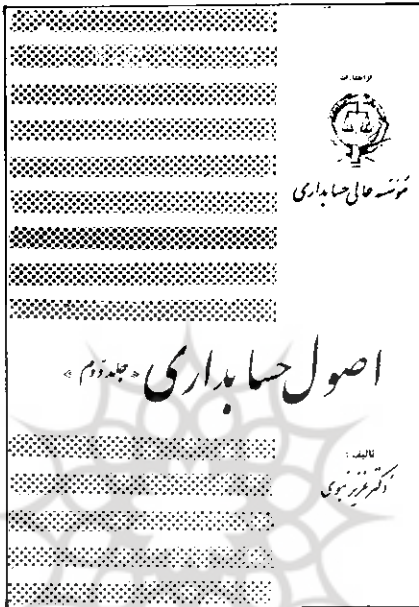
علی‌مدد:

ارتباط شخص آقای دکتر نبوی با دانشجویان، جز در هنگامی که شخصاً در کلاس تدریس می‌کردند، تقریباً کم بود و با گذشت سالها کمتر هم

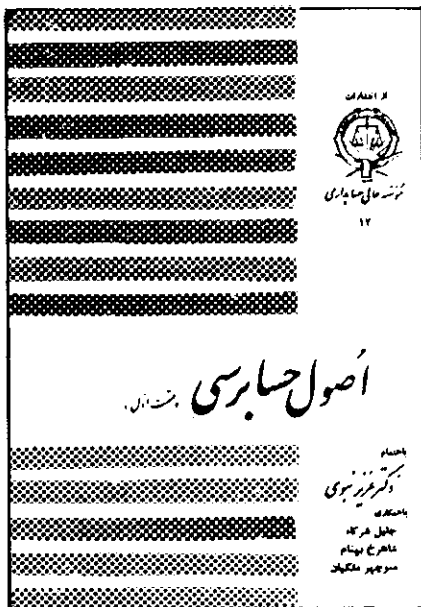
شد، این نقیصه وجود داشت. خود شما باید این مسئله را به خاطر داشته باشید. البته آقای دکتر نبوی با مدرسان مؤسسه ارتباط مداوم داشتند. و به این ترتیب در جریان امور دانشجویی قرار می‌گرفتند. اما به‌طور کلی ارتباط دانشجو و استاد در مؤسسه تنها از جنبه آموزشی برقرار بود. البته شاید در دانشگاه‌های دیگر هم چنین ارتباطی وجود نداشت. منتها و به‌هرحال چنین وضعی، نقص فضای آموزشی است. شاید مشکلاتی که بعدها مؤسسه عالی حسابداری با آن روبه‌رو شد، مقداری در همین وضع ریشه داشت. اما در مورد بحران مؤسسه چهارعامل در بحران مؤسسه نقش داشت. عامل اول این بود که مؤسسه - تا آنجا که به خاطر دارم - در هریک از سالهای ۵۰ و ۵۱ حدود ۱۰۰۰ دانشجوی پذیرفت. در نتیجه به دلیل نبود تناسب بین ظرفیت آموزشی و اداری مؤسسه با تعداد دانشجویان، امور مؤسسه با کاستیها و دشواریهای زیادی روبرو شد.

عامل دوم، تعدادی دانشجوی بودند که به علت ویژگیهای نظام آموزشی مؤسسه، که قبلاً بیان کردم، مشروط شده بودند و در معرض اخراج قرار داشتند. اگرچه تعداد آنها نسبت به کل دانشجویان مؤسسه زیاد نبود اما تمایل شدید و منافع حیاتی آنها در برهم زدن نظم مؤسسه بسیار مؤثر بود.

عامل سوم فضای دانشجویی آن سالها بود که اعتراضات و مبارزات دانشجویی چه از جنبه صنفی و چه از جنبه اجتماعی - سیاسی برای دانشجویان ایجاد اعتبار می‌کرد و به نوعی، مبارزه با رژیم تلقی می‌شد. به این ترتیب انگیزه و گرایشهای کافی برای اعصاب در بین دانشجویان وجود داشت و عده‌ای از دانشجویان مؤسسه که بعضی از آنها درسهایشان خیلی خوب هم بود به تعارضها دامن می‌زدند. و بالاخره عامل چهارم کورته‌بینی و عدم درک روحیه دانشجویان و مسائل جوانان و رفتار متکبرانانه و مستبدانه برخی از کسانی بود که به مدیریت مؤسسه پیوسته بودند و در میان دانشجویان ناراضی‌پسند ایجاد می‌کردند. این چهارعامل در یک زمان خاص، با یک



موضوع به ظاهر مشترک یعنی کمبودهای آموزشی به هم گره خورد و بحران دانشجویی مؤسسه را پدید آورد. چنین بحرانهایی در همه مؤسسات آموزشی روی می‌دهد و روی هم داده بود، و در روال طبیعی، هر مؤسسه آنها را با تعدیلاتی پشت‌سر می‌گذارد. منتها به گمان من برای حل بحران مؤسسه کوشش موثری به عمل نیامد و شاید آقای دکتر نبوی به خاطر دلگیری از ناسپاسیها نسبت به زحماتشان - که تا حدودی حق هم داشتند، البته فقط تا حدودی - تصمیم به انحلال تدریجی مؤسسه عالی حسابداری گرفتند. چیزی که مایه تأسف بود زیرا نتیجه این شد که تنها دانشجویان مشروط و در معرض اخراج به منافع نامشروعشان رسیدند و دیگر دانشجویان و جامعه در مجموع از آن زیان دیدند. اما در مورد پذیرفتن تعداد زیادی دانشجو در سالهای یاد شده، شاید یکی از عوامل موثر این بود که نظم پرداختهای مؤسسه به دلیل پرداخت مالیاتی کلان به هم خورده بود. زیرا در زمانی که مؤسسه تأسیس شد به موجب قانون مالیاتهای ۳۵ و



اصلاحیه ۳۸ از مالیات معاف بود. در قانون مالیاتهای ۴۵ این معافیت لغو شد و پس از مکاتبات متعدد سرانجام از حدود سال ۵۰ مؤسسه ناچار شد که مالیات سالهای ۴۶ به بعد را بپردازد. و طبیعی است که پیشبینی‌ها و برنامه‌ریزیها به هم می‌خورد. برای رفع این تنگنا، یک راه‌حل نادرست و شاید هم اجباری، پذیرفتن تعداد زیادتری دانشجو بود که پیامد بدی هم داشت. اما اینکه گفته می‌شود آقای دکتر نبوی از محل درآمدهای مؤسسه عالی حسابداری ثروتمند شده‌اند، راست نیست. شاید در این مورد بتوان بحث قدیمی و آن موضوع انشای تکراری را مطرح کرد که بالاخره علم بهتر است یا ثروت. البته جامعه می‌تواند از روشنفکران برجسته‌اش انتظار داشته باشد که تلاش و وقت خود را صرف جمع‌آوری ثروت نکنند، مشروط بر آنکه ارج و قرب اجتماعی و اجر مادی مناسب برای آنها فراهم کند. به هر حال، آقای دکتر نبوی از محل درآمدهای مؤسسه نمی‌توانستند ثروتمند

ورق بزنید

اصول حسابداری دولتی، ششمین جلد

تألیف:
دکتر عزیز نبوی

که ایشان مدیر مؤسسه عالی حسابداری بودند و همزمان اشتغالات فراوانی در کار تألیف کتاب هم داشتند نزد خانمی زبان فرانسه می خواندند. و به یاد دارم که به رغم آن همه اشتغالات تکالیفشان را با دقت فراوانی انجام می دادند و همانند هر شاگرد منظم دیگری با نظم و ترتیب فراوان تمرینهایشان را در دفترچه مخصوص می نوشتند. البته همین جا باید تأسف خودم را از ناتمام ماندن کتابهای آقای دکتر نبوی ابراز کنم. ایشان پس از این که کار مؤسسه را رها کردند، با کار تألیف کتابهای حسابداری هم فهر کردند. البته حق ایشان بوده که نسبت به تداوم یا توقف تألیف کتابهای حسابداری تصمیم بگیرند، ولی ما نیز حق این گله را برای خودمان قائلیم که چرا این تألیفاتی را که می توانست الگو باشد، رها کردند. شما می دانید که اکنون پس از ۴۰ سال هنوز از جلد اول و جلد دوم کتاب اصول حسابداری آقای دکتر نبوی در جامعه استفاده می شود. در این صورت آیا حق ما نیست که از ایشان بپرسیم چرا مجموعه های مورد نظرشان را کامل نکردند.

شلیله:

در صورت امکان نمونه ای از برخورد آقای دکتر نبوی را در نقش همکار و رئیس حسابداری بیان بفرمایید.

علی مدد:

خاطره ام از این جهت به سالهای بسیار دور برمی گردد، زمانی که آقای دکتر نبوی - که آن زمان هنوز دکتر نبوی نشده و تنها حسابداری جوان بودند - ریاست حسابداری بنگاه عمران را داشتند و من حسابدار بسیار جوان و کم تجربه ای در یک واحد کوچک در گرمسار بودم. به دلیل مخالفتی که در مورد یک فقره پرداخت کردم یکی از مقامات اداری با نفوذ دستگاه با ادامه کار من به مخالفت پرداخت. پس از توضیح موضوع برای آقای نبوی، نه تنها از حمایت کامل ایشان از لحاظ عدم پرداخت برخوردار شدم بلکه ایشان آن فقره پرداخت را تا

شوند. زیرا اگر تعداد کل دانشجویان مؤسسه را از آغاز فعالیت تا پایان فعالیت حدود پنج هزار نفر در نظر بگیریم که هر یک در دوره تحصیلشان ۱۵۰۰۰۰ ریال شهریه تحصیلی پرداخته اند حاصل ضرب آن می شود ۷۵ میلیون تومان که پس از وضع مخارج مؤسسه در طول ۱۳ سال نمی توانست کسی را ثروتمند کند. به عنوان مثال حق التدریسیهایی که در مؤسسه عالی حسابداری پرداخت می شد از حق التدریس دانشگاههای دولتی بالاتر بود بقیه مخارج را هم می شود سرانگشتی حساب کرد. من با اعتماد کامل می توانم بگویم که اگر آقای دکتر نبوی ثروتی به دست آوردند اولاً در مقایسه با خیلیها که نه دانش دکتر نبوی را داشتند و نه استعداد و ابتکار او را، ثروت چندانی نبود، ثانیاً این ثروت هم از سود مؤسسه عالی حسابداری به دست نیامده بود.

شلیله:

البته همزمان با پذیرش ۲۰۰۰ دانشجو در مؤسسه، امکانات مؤسسه از نظر ساختمان و فضا و نوع کلاسها یا امکانات ورزشی و رستوران و مانند اینها نیز گسترده تر شد. این اقدامات را هم نمی توان نادیده گرفت.

علی مدد:

این امکانات در آن زمان نسبت به مؤسسات بخش خصوصی بسیار مناسب بود و اگر تجربه های دیگر مؤسسات آموزشی بخش خصوصی را بررسی کنیم، ممکن است به ندرت با استانداردهای مؤسسه عالی حسابداری مقایسه شدنی باشد. در این جا ذکر نکته ای را ضروری می دانم که زمین مورد استفاده برای ساختمان مؤسسه را آقای دکتر نبوی شخصاً خریداری کردند و از امکانات هیچ جایی برای تهیه زمین مؤسسه یا برای ساختمان آن استفاده نکردند. طبعاً در این صورت فرض هرگونه تماس با عناصر نادرست هم منتفی می شود.

شلیله:

ممکن است برجسته ترین تجربه های خودتان

برگشتن من به سرکارم متوقف کردند که برای ایشان تصمیمی پردردسر بود. این درس را در آن زمان از ایشان گرفتم که حساسیتهای فراوان کار مالی ایجاب می‌کند که کارکنان حسابداری در برخورد های اصولی از حمایت کامل رؤسایشان برخوردار شوند، هر چند مشکلاتی جدی هم برای آنها ایجاد شود.

شلیله:

برای اینکه به هر حال حق مطلب را در مورد آقای دکتر نبوی به طور نسبی ادا کرده باشیم، چنانچه علاقه مند به طرح مسائل دیگری در مورد ایشان هستیم که من در آن زمینه پرسشی مطرح نکرده‌ام، خودتان مطرح بفرمایید.

علی مدد:

نکته درخور توجه در مورد کار تألیف و تحقیق آقای دکتر نبوی که از ماندگارترین کارهای ایشان است، توجه به زبان فارسی است. ایشان به حسابداری به عنوان رشته‌ای که بین عده‌ای از آدمهای حرفه‌ای مطرح است، یا به این کار اشتغال دارند، نگاه نمی‌کردند بلکه آن را رشته‌ای از دانش می‌دانستند که باید در این مملکت توسعه بیابد. از این نظر به استفاده درست از زبان فارسی در این زمینه توجه خاص داشتند و برای معادل سازی‌ها اهمیت بسیار قائل بودند. اگرچه معادل سازی در این رشته با همت صاحب نظران برجسته‌ای مانند مرحوم سجادی‌نژاد یا عرفانی آغاز شد، اما آقای دکتر نبوی بعد جدیدی به این کار بخشیدند. ایشان بسیار مراقب بودند که اصطلاحهایی را پدید آورند و به کار ببرند که به آسانی در زبان فارسی به کار گرفته شود و کوشش فراوانی می‌کردند که از اصطلاحات رایج بین مردم و در زبان تجاری استفاده کنند و در موارد فراوانی این کار را کردند و این گونه اصطلاحات را وارد ادبیات حسابداری کردند. شاید اگر ما نیز از همان نقطه‌ای که ایشان آغاز کردند و از همان راهی که ایشان رفتند می‌رفتیم، زبان حسابداری ما اکنون این گونه ناتوان و نارسا نبود و ناگزیر نبودیم



ساختمان شماره ۲ مؤسسه عالی حسابداری
که در تاریخ ۲۳/۶/۴۵ ساختمان قبلی اضافه شد

دکتر نبوی بسیار برجسته بود.

شلیله:

از شما به خاطر شرکت در این مصاحبه بسیار سپاسگزارم.

اصطلاحاتی را به کار ببریم که نه خودمان بدرستی آنها را درک می‌کنیم و نه دیگران. این مسئله که آقای دکتر نبوی این قدر به آن اهمیت می‌دادند، مسئله اساسی هر رشته از دانش و یکی از امکاناتی است که به وسیله آن می‌توان دانش را بومی کرد. باز تأکید می‌کنم که این جنبه میان کارها و کوششهای آقای